

## سخنی چند در باره هندوستان

مصاحبه ای با نهر

گفت و شنود زیر در سال ۱۹۵۵ در باغ منرن رسمی نخست وزیر هند در دهلی نو میان «چستر بولس» Chester Bowles و جواهر لعل نهر صورت گرفته است .

چستر بولس از شخصیت‌های سرشناس و ممتاز آمریکاست که از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳ سفیر کبیر ایالات متحد آمریکا در هند بود و پس از آن هم چند سفر به هند کرد . در سال ۱۹۰۱ چستر بولس به دنیا آمد و در دوران ریاست جمهوری روزولت و زمان جنگ خدمات مهمی انجام داد و در سال ۱۹۴۶ نماینده آمریکا در کنفرانس یونسکو بود .

آقای بولس در چند دانشگاه آمریکا استاد بوده است و از نویسندگان سرشناس این کشور نیز می باشد .

اکنون چستر بولس از رجال ممتاز حزب دموکرات آمریکاست و مشاوران کندهی رئیس جمهور آمریکا می باشد و سمت معاون وزیر امور خارجه او را داراست . شش کتاب او از سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۶ انتشار یافت . بسیاری از این کتابها درباره مسائل سیاسی و سیاست جهانی و سیاست آمریکاست .

گفت و شنودی که در اینجا نقل می شود از کتابی به نام «خرد» (Wisdom) ترجمه شده است . این کتاب شامل گفت و شنود بیست و چهار تن از شخصیت های مشهور معاصر است که همه از فیلسوفان و نویسندگان و رجال هنرمندان معروف می باشند .

چستر بولس - آقای نخست وزیر بسیار خوشوقتیم که دوباره به دهلی آمده ام و جناب عالی را می بینم . می بینم که شما سلامت و شاداب هستید و باز چشمم به این باغ دلکش و مصفای منزل شما می افتد . آرزوی من اینست که سراسر جهان چون این محل آرام و آسوده باشد .

جواهر لعل نهر - خوب ، آقای بولس ، خوش آمدید . مقدم شما همیشه در اینجا گرامی خواهد بود . بسیار خوشوقتیم که شما یکبار دیگر اگر برای مدتی کوتاه هم شده به اینجا باز آمده اید .

بولس - لطفاً مختصری در باره اوان جوانی و آغاز عمرتان برایم بگوئید . ظاهراً هنگامی که پانزده ساله بودید به انگلستان رفتید ؟

نهر - بلی ، به انگلستان رفتم . یعنی به مدرسه «هارو» و بعد هم به دانشگاه «کمبریج» وارد شدم . سپس به رشته حقوق پرداختم و به آموزشگاهی رفتم که وکلای دادگستری را پرورش می دهد . پس از آن به هند باز گشتم و مدت شش سال به کارهای حقوقی و وکالت دادگستری مشغول بودم تا اینکه آقای کاندی مرا از این جریان بیرون کشید .

بولس - چه وقت برای اولین بار آقای گاندی را ملاقات کردید ؟  
 نهری - تصور می‌کنم اولین بار او را در سال ۱۹۱۵ دیدم . در آن موقع تازه از افریقای جنوبی بازگشته بود . بدیهیست قبلاً در باره او مطالبی شنیده بودم . سپس گاندی همه چیز را زیر و رو ساخت و این وضع نه فقط در حیات کشور پیش آمد بلکه زندگی افراد بسیاری را نیز تغییر داد و سبب شد که گروه زیادی از مردم روش و رفتاری شکفت پیش گیرند .

بولس - از آن پس شما به کار ایجاد کشوری آزاد و مستقل پرداختید ؟  
 نهری - بلی ، اما باید بگویم که ازین زمان به بعد زندگی من چه در زندان و چه در بیرون آن بسیار پرهیجانه‌تر از زمانی بود که به صورت وکیل دادگستری به دادگاهها می‌رفتم . با رها کردن کارهای حقوقی و وکالت چیزی از دست ندادم بلکه چیزی بسیار ارجمندتر و گرامی‌تر به دست آوردم .

بولس - مسلماً شما می‌دانید که مردم میهن من هم مانند مردم کشورهای دیگر جهان علاقه زیادی به هندوستان نشان می‌دهند . آنها مبارزه معتد هند را در راه استقلال با علاقمندی بسیار ستوده‌اند . یقین دارم در دوران این مبارزات دل و جان ایشان همواره با شما بوده است . اما گمان می‌کنم مردم امروز تا اندازه‌ای فراموش کرده‌اند که آزادی شما چگونه به دست آمده است . نمی‌دانم میل دارید کمی به عقب بازگردید و مختصری از نخستین خاطرات خود با گاندی زمانی که همکاری خود را با او شروع کردید و بعضی از آزمایشها و ماجراهای آن زمان را نقل کنید .

نهری - سؤال دشواری برایم طرح کردید . دشوار از آن رو که این سؤال با احساسات مردم هند و احساسات خودم در دوران مبارزاتمان مربوط می‌شود .

ظهور گاندی در هند و تأثیری که به وجود آورد بسیار عظیم بود . از نظری می‌توان گفت که این تأثیر و نفوذ تا چندسال تدریجی بود ، اما وقتی که عملاً وارد میدان سیاست هند گردید جلوه و تأثیری بس عظیم داشت . این تأثیر را خود او به وجود نمی‌آورد بدین معنی که از نوع شهرت و نفوذ تبلیغاتی نبود بلکه چیزی بود که همه کس در سراسر هند آن را حس می‌کرد .

گاندی مطالبی را به میان می‌کشید که برای مردم عادی بسیار ساده بود . می‌گفت «ترسید!» یعنی از قدرت بریتانیا ترسید ، از گفتن حرفی که محتملاً آشوبگرانه تلقی شود ترسید . از مزاحمت پلیس ترسید و به خاطر فعالیت سیاسی یا حوادث دیگر از مقابل پلیس نگریزید . این سخن بسیار عجیب و شگفت‌انگیز بود . حرفی بسیار ساده بود اما وقتی که او می‌گفت، در اعماق روح مردم نفوذ می‌کرد و مثل نیروی برق همه جا را روشن می‌ساخت . دهقانانی را به یاددارم که فقیر و بیچاره و مصیبت زده بودند ، از مالک می‌ترسیدند . از پلیس می‌ترسیدند ، از مأمور مالیات می‌ترسیدند ، از وکیل عدلیه می‌ترسیدند ، از همه کس می‌ترسیدند و این ترس در وجودشان ریشه دوامده بود . ناکهان همین اینها قد راست کردند و دیگر از هیچ چیز باک نداشتند . این منظره و این احساس فوق‌العاده بود . بعضی وقتها حتی به کارهای نادرست و ناروا می‌پرداختند . مثلاً کسی که با رام‌آهن سفر می‌کرد می‌گفت : «چرا باید برای سوار شدن به قطاری که متعلق به ماست پول بپردازیم ؟» اما رویهمرفته منظره‌ای دل‌انگیز بود . امکان داشت بر اثر درست نفهمیدن مطلبی که به این افراد گفته می‌شد رفتاری نادرست پیش گیرند . در چنین وضعی وقتی به ایشان گفته می‌شد «این کار را نباید بکنید» دیگر نمی‌کردند .

در واقع باید بگوئیم که صفت ممتاز کاندی - درمیای صفات فراوانش - بی باکی و ترسی مطلقش بود . اشخاص بسیاری هستند که بی باک و ترس هستند به این معنی که از روبرو شدن با خطرهای شخصی نمی هراسند اما شناختن خود و پذیرفتن صفت های خوب شهامتی فوق العاده و عظیم می خواهد .

بولس - آقای کاندی چند بار زندانی شد ؟

نهری - درست نمی دانم . به یاد ندارم . اما رویهمرفته سالها در زندان بود .  
بولس - شما خودتان دوازده سال در زندان گذرانده اید ؟ اینطور نیست ؟ یا شاید چهارده سال ؟ آنها از سالهای اواسط زندگیتان .  
نهری - بلی دوران درازی بود . در حدود ده سال ونیم . مجموعاً در حدود هشت یا نه بار .

بولس - اما نمی توان گفت شما عمرتان را در زندان تلف کردید . سه کتاب که از بزرگترین کتابهای دوران ماست « نگاهی به تاریخ جهان » ، « زندگی من » و « کشف هند » را در زندانها نوشتید .

نهری - بلی سه کتاب نوشتم .

بولس - کاندی هند را آزاد ساخت . برای همه جهان کاری عظیم صورت داد . آیا کمان نمی کنید که به بریتانیا هم خدمت بزرگی کرد زیرا به آنها نیز کمی از روح هندی را تعلیم داد و موجب شد که هند و بریتانیا دوستان خوبی برای یکدیگر باشند ؟  
نهری - بسیار عجیب و به کمان من شاید هم بی نظیر بود که در دوران اوج مبارزات ، هنگامی که ما خود را در برابر بریتانیا بسیار نیرومند احساس می کردیم ، هر انگلیسی می توانست از میان انبوه مخالفان و دشمنان بگذرد بی آنکه کسی به او کوچکترین تجاوزی کند . این وضع واقعاً فوق العاده بود .

شک نیست که کاندی طبع تمام مردم هند را دگرگون نکرد و نمی توانست بکند . اما همواره درباره مطالبی تأکید می کرد که باطبع و خوی هندو سازگاری آمد . هر کس به جای کاندی می بود به آسانی می توانست همان گروه انبوه مردم را به بد رفتاری برانگیزد . اما نفوذ کاندی بسیار زیاد بود و همه از او پیروی می کردند . بعد گروههای بسیاری در سراسر هند همان دستورها و همان طرز رفتار را تکرار کردند . در نتیجه تقریباً یک وحدت روش به وجود آمد .

اختلاطی عجیب پیش آمده بود . . . . از یکسوارضائی عسبان انگیزی برضدانگلیسیها وجود داشت ، خشم و احساساتی ازین قبیل در همه جا به چشم می خورد ، با اینهمه شاید بتوان گفت که سوء نیت و بدخواهی در میان نبود .

بولس - آنها مسلسل و تانک و هواپیما در اختیار داشتند و شما انسان . شاید این مطلب خود درس جالبی برای مردم جهان باشد .

نهری - بلی ، ما انسان در اختیار داشتیم . بعلاوه چیز دیگری هم داشتیم . همه اعتماد به نفس خود داشتیم . احساس می کردیم که عاقبت کاری از پیش نخواهند برد . آنها چه می توانستند بکنند ؟ می توانستند ما را به زندان ببرند ، ما به آنها می گفتیم که ما نمی ترسیم و به آنها نشان می دادیم که از رفتن به زندان بیمی نداریم . همچنین آنها می توانستند به روی ما تیر اندازی کنند . این کار بارها روی داد اما ما باز هم زنده مامی ندیم . بنابراین کار دیگری نمی توانستند بکنند .

ما بر ترس خود پیروز شده بودیم . اعتماد فراوانی به نفس خود یافته بودیم و اگر بتوانم گفت ، تا اندازه‌ای هم از خود راضی و مغرور گردیده بودیم . دیگر احساس حقارت نمی کردیم و عقده حقارت درباره وضع خود نداشتیم . بلکه با کمال تأسف باید بگویم که در ما حتی يك نوع عقده برتری به وجود آمده بود .

بولس - آقای گاندی کاری بسیار بزرگ برای هند صورت داد اما همانطور که گفتم برای انگلیسی‌ها هم خدمتی انجام داد . آیا تصور نمی کنید این حرف درست باشد ؟

نهری - چرا مسلماً توانست دوستی میان مردم دو کشور را استوار سازد . بولس - گمان می کنم امروز بریتانیا هم مانند کشورهای دیگر جهان دوست خوبی برای هند است شما نیز چنین احساسی در مورد انگلستان دارید . تصور می کنم این خود درسی بزرگ است .

نهری - من هم گمان می کنم که واقعاً این امر درسی بزرگ برای حل مسائل جهانی است تا هیچ کدورت و کینه‌ای از خود بهجا نگذارد . معمولاً دنیا می کوشد مسائل را حل کند . گاهی هم موفق می شود اما رویهمرفته مسائل به شکلی حل می شود که خود چندین مسأله دیگر به وجود می آورد .

بولس - وقتی دریا از دهم اوت ۱۹۴۷ پرچم بریتانیا پائین کشیده شد و پرچم هند بالا رفت مسلماً شما با مسائل دشواری روبرو بودید . بدیهیست نخستین مسأله‌ای که در برابر شما قرار می گرفت ، تقسیم بود . تقیمی که متأسفانه بر اساس مذهب صورت می گرفت . نهری - بلی نخستین مسأله و از همه مهمتر موضوع تقسیم بود . هولناک ترین چیزی که بر اثر آن مهاجرت‌های عظیم و تصادم‌ها و کشتارهای پس از تقسیم پیش می آمد ، نوعی احساس شکست روحی بود . چنین به نظر می رسید که آنچه ما در نهضت خود از آن هواداری می کردیم و آنچه گاندی به مردم آموخته بود همه تا کهان فراموش شده است . این احساس بسیار ناراحت کننده بود . اما هیچ کاری با آن نمی توانستیم کرد جز جنگیدن و سرکوب کردن . ما هم چنین کردیم . به تدریج بر اوضاع مسلط شدیم . آنچه اهمیت بسیار داشت ، اعتماد به نفس خود را پس از مواجه شدن با این حوادث تا حدی بازیافتیم ، گمان می کنم در چند سال اخیر کارهای مؤثر و مفیدی در مورد سکونت این میلیون‌ها مهاجر انجام داده‌ایم . کمک‌های مختصری از اینجا و آنجا به دست می آوردیم ، اما رویهم رفته در حل این موضوع از خارج کمک بزرگی به ما نشد . این مسأله هنوز هم پایان نیافته است و خاصه از پاکستان شرقی هنوز هم مهاجرانی به هند می آیند .

بولس - چند روز پیش در کلکته شنیدم که تعداد مهاجران در هر روز تقریباً به يك هزار نفر می رسد .

نهری - بله ، هر روز در حدود يك هزار نفر به هند می آیند و طبعاً مواجه شدن با چنین وضع بی ثبات و متغیری دشوار است .

بولس - خوب شما گرفتار ناراحتیهای بسیار و اختلافهای مذهبی زیادی بودید . ظاهراً در چند سال اخیر این اختلافها به شکل نمایانی حل شده و از میان رفته است . این طور نیست ؟ اکنون مردم آموخته‌اند که با یکدیگر زندگی کنند .

نهری - واقعیت اینست که نابردباری مذهبی در هند ، یعنی در چند هزار سال گذشته بسیار کمتر از اروپا بوده است . ما هرگز جنگ‌های مذهبی بزرگ از آن گونه که در اروپا روی می داده است نداشته‌ایم . گذشته از مذاهب محلی هندوستان یعنی «هندو»

و « بودائی » و مذهب « سیک » که در این اواخر پیدا شد ، مذاهبی هم که از خارج به هند آمدند به زودی درین کشور استقرار یافتند .

شاید شکفت انگیز باشد که مسیحیت در نخستین قرن پس از مسیح ، بسیار پیش از آنکه به نواحی وسیعتری در اروپا برود به هند آمد . مسیحیت در جنوب هند بخشی از زندگی مردم شد و در حدود یک هزار و نهصد سال در آنجا رواج داشت .

جالب است که یاد آور شوم اسلام نیز مدتها پیش از فتوحات سیاسی و نظامی مسلمانان در هند ، به این کشور آمد . موقعی که اسلام به صورت مذهب به هند آمد با هیچ گونه مخالفتی مواجه نگشت . تنها وقتی که صورت فاتحی متجاوز به خود گرفت تصادمها و آشفتگیها بهپا شد . این موضوع هم مربوط به یک هزار سال پیش است . پس از آن اسلام نیز در هند مستقر گشت . صرفنظر از بعضی حوادث کوچک می توان گفت که هرگز تصادم بزرگی پیش نیامد . اختلافهای اخیر ، یعنی حوادث زمان تقسیم هند و پیش از آن ، اصولاً سیاسی بود نه مذهبی .

بولس - آمریکا هم باتبیعیتهای نژادی مبارزه کرده است . بهمین جهت مبارزه ممتد کاندی برضد تبعیضهای مربوط به کاست ها ۴ در هند ، در مردم آمریکا علاقه فراوانی برانگیخته است . ظاهراً این مبارزه همچنان ادامه دارد . می دانید چه پیشرفتی در این راه به دست آمده است ؟

نهری - بی شک پیشرفت نمایانی حاصل گشته است . اما بدون تردید هنوز باید مقدار زیادی کار انجام گیرد ، زیرا ما در این مورد با چیزی سروکار نداریم که بتوان بایک قانون به آن پایان داد . قوانینی تصویب کرده ایم و باز هم تصویب می کنیم . اما ما با آداب و عادات اجتماعی سروکار داریم که قرنها و قرنها دوام داشته است .

تبعیضهای نژادی کاملاً با کاستهای هند تفاوت دارد . وضع کاستها در هند چنانکه می دانید در آغاز با اشغال کشور از طرف آریائی ها پدید آمد و بعدها به صورتی خشک و جامد درآمد . در هر حال ما باید این وضع را از میان برداریم .  
بولس - آیا ریشه های کاست ها ، با اختلاف رنگ « دراویدهای » ۴ و « آریائیها » ارتباط پیدا نمی کند ؟

نهری - چرا . همین طور است . در آغاز ظاهراً چنین چیزی وجود داشته است ، اما گمان می کنم بعدها موضوع رنگ پوست اهمیت خود را در هند از دست داده است .

۱ - اشاره به هجومهای محمود غزنوی به هند است که به عنوان توسعه اسلام صورت می گرفت .

۲ - کاستها طبقات مختلف جامعه هندی هستند که بنا بر مذهب « هندو » از یکدیگر جدا می باشند و هر کس در هر طبقه ای که متولد شود عضو همان طبقه باقی می ماند . این طبقات به چهار دسته عمده تقسیم می شدند که طبقه روحانیان یا برهمنان در رأس همه بودند . آخر گروهی از مردم هم بیرون از طبقات باقی می ماندند که نجس شمرده می شدند . کاندی و نهضت ملی کنگره برای تغییر این وضع مبارزات وسیعی را دنبال کردند . اکنون قانون اساسی هند هیچگونه تبعیضی را به رسمیت نمی شناسد . در ایران پیش از اسلام نیز چنین طبقاتی وجود داشته است .

اکنون تا آنجا که به ما مربوط می‌شود مصمم هستیم به وضع کاستها پایان دهیم ، زیرا با اوضاع زمان ما مناسب و سازگار نیست، در واقع مخالف آزادی اجتماعی است . بولس - یکی از مسائل بزرگ زمان استقلال شما موضوع کمی خواربار بود امروز وضع خوار بار چگونه است ؟

نهر - خیلی بهتر از آنست که ما انتظار داشتیم یا حتی امیدوار بودیم . این موضوع یکی از عوامل مهم برانگیختن احساس اعتماد به خود در مردم است . بدیهیست هنوز نتوانسته‌ایم مسأله کمبود خوار بار را کاملاً حل کنیم . اما خوبی آن را زیر نظر داریم و گمان می‌کنیم که تا چند سال دیگر با اجرای طرحهای بزرگ آبیاری بتوانیم آن را حل کنیم .

بولس - آیا افزایش تولید شما چگونه صورت گرفته است واضح است که بهبود وضع آبیاری در آن مؤثر بوده است .

نهر - حقیقت اینست که زمینهای تازه و آبیاری جدید تأثیر زیادی در افزایش تولید خوار بار نداشته است بلکه به کار بردن کودهای شیمیائی که اکنون در کارخانه های کشور خودمان ساخته می‌شود مؤثرتر بوده است . خیال می‌کنم تبلیغات چندین ساله درباره افزایش تولید خواربار هم موجب افزایش تلاش در این زمینه شده است . طرحهای دیگر عمرانی که تعداد آنها بسیار زیاد است نیز در دست اجراست . مانند تهیه خانه های بهتر و مدارس بهتر و . . .

بولس - به یاد دارم که سه سال و نیم پیش وقتی برای نخستین بار در این باره صحبت می‌کردیم پیشرفتهای درخشانی به دست آمده بود . نهر - این کارنه فقط به شکلی درخشان پیشرفته است بلکه به گمان من بزرگترین کاریست که ما بدان مشغولیم . ممکن است عظمت این امر مثلاً به اندازه طرح اقدامات بزرگ چند جانبه سد سازی و آبیاری و تولید برق جلوه نیابد و به چشم نیاید، اما برای هند اهمیت اساسی دارد زیرا زندگی را به سطحی بالاتر ارتقا می‌دهد .

بولس - تاکنون اقدامات عمرانی در چند دهکده صورت گرفته است ؟

نهر - گمان می‌کنم در ۸۸ هزار دهکده - یعنی یک پنجم جمعیت روستائی هند که تقریباً ۶۵ میلیون نفر می‌شود .

بولس - یعنی تقریباً معادل تمامی جمعیت آلمان ؟

نهر - بلی . مادر نظر داریم تا پایان دومین برنامه پنج ساله این طرحها را در سراسر دهکده های هند تعمیم دهیم و وسایل ارتباطی بهتر ، خانه های بهتر و همه چیز بهتر ، و مهمتر از همه انسانهای بهتر به وجود آوریم .

بولس - این همان چیز است که گاندی می‌خواست . اینطور نیست ؟ آیا این وضع از توجه او به دهکده و اعتقادش به دهکده ها ناشی نشده است ؟

نهر - نظر شما کاملاً صحیح است . در واقع آنچه صورت می‌گیرد انطباق فکر او با اوضاع واحوال و مقتضیات امروزیست .

بولس - درباره آموزش اساسی و ابتدائی و توسعه آموزش چه می‌کنید ؟

نهر - از وضع آموزش در کشور خودمان بسیار ناراضی هستیم . دائماً در این باره صحبت می‌کنیم و قانون و مقررات وضع می‌کنیم . بدیهیست در این زمینه پیشرفتهائی

به دست آورده ایم اما اندازه و سرعت آن ما را راضی نمی کند . ما می خواهیم که تعلیمات اساسی و ابتدائی در سراسر هند گسترش یابد . مشکل اصلی در این راه کمی تعداد معلمان مورد احتیاج برای این گونه آموزش است . ما به دوست هزار معلم کار آزموده در رشته آموزش اساسی احتیاج داریم .

بولس - مطلب دیگری به یاد آمد که کاملاً خارج از موضوع بحث کنونی ماست . هنگامی که شما استقلال خود را به دست آوردید مردم بسیاری می گفتند : کشوری وسیع و پهناور که ۹۰ درصد جمعیت آن بیسواد است هرگز نمی تواند خود را از راه آزادی اجتماعی اداره کند . اما شما راه خود را دنبال کردید . قانونی اساسی نظیر عالیترین سنن آزادی به وجود آوردید و انتخاباتی آزاد انجام دادید . گمان می کنم همه می خواهند نظر شمارا در این مورد و درباره این آزمایش عظیم بدانند .

نهری - واضح است که ما نه فقط می خواهیم مردم سواد پیدا کنند بلکه می خواهیم پرورش کافی هم داشته باشند . من سواد داشتن را ، تربیت و پرورش داشتن نمی دانم . بسیاری مردم را می شناسم که خواندن و نوشتن را به خوبی می دانند ، اما در نظر من بکلی فاقد پرورش می باشند و ذهنشان از چهار چوب تصورات کودکانه پا فراتر نمی گذارد .

خیال می کنم دهقان هندی فردی منطقی است . هر چند که میدان دیدش محدود و کم است اما در خود عمقی دارد ، و سطحی نیست . من نسبت به دهقانان علاقه زیادی دارم و به آنها متکی و معتمدم . بدون هیچ دشواری احساس می کنم که اگر برای دهقان هندی توضیح کافی داده شود هر کاری که بدو واگذار گردد به درستی و خوبی انجام خواهد داد .

بطوری که می دانید تمام افراد بالغ در کشور ما بی هیچ تبعیض ، همه حق رأی و شرکت در انتخابات را دارند و این چیزی بسیار عظیم و پر اهمیت است .

بولس - این اقدام از نظر پیشرفت توده ها موفقیتی واقعی و بزرگ بوده است . نهری - بلی موفقیت بزرگی بوده است . اما آنچه اهمیت بیشتر دارد جریان پرورش عمومیت . انتخابات به خودی خود چیز جذاب و مطبوعی نیست اما به پرورش مردم کمک می کند زیرا افکار و عقاید و نظرهای مختلفی با یکدیگر تصادم پیدا می کنند که مردم را روشن می سازند . در عین حال تصور می کنم که همین وضع موجب به وجود آمدن ابهامی در اذهان مردم ساده نیز می گردد .

بولس - هنگام انتخابات سال ۵۲ - ۱۹۵۱ که من اینجا بودم میزان سلامت و خردمندی و بردباری که در نطقهای سیاسی به نظر می رسید در من تأثیر فراوان گذاشت . البته گاهی هم سخنان خشنی به میان می آمد ، اما به گمان من میزان آن از آنچه در بیشتر کشورها گفته می شود بسیار کمتر بود .

بطوری که می دانید در آمریکا مردم بسیاری از شنیدن کلمه « سوسیالیسم » ناراحت و عصبی می شوند . تصور می کنم در اینجا مردم بسیاری هستند که بهمین اندازه از « کاپیتالیسم » ناراحت می گردند . به نظر شما چه تفاوتی میان توسعه آینده هند و تکامل صنعتی و اقتصادی ایالات متحد آمریکا می تواند وجود داشته باشد ؟

نهری - درباره پیشرفت صنعتی ایالات متحد نمی توانم چیزی بگویم . ایالات متحد از نظر صنعتی و فنی کشوری بسیار مرفقی و پیشرفته است . اما وقتی کشوری را مورد توجه قرار می دهید باید سوابق و زمینه های پیشین آن را در نظر بگیرید که در کجا است و چگونه تحول یافته و شکل پذیرفته است .

در هند می‌کوشیم خود را از رخوتی که در حدود دوست سال دستخوش آن بوده‌ایم برهانیم. ما نمی‌توانیم یکصدسال دیگر هم پیشرفتهای کند داشته باشیم بلکه باید با سرعت بسیار پیش برویم. ازین رولازم است سیاست و چیزهای دیگر خود را با چنین وضعی هماهنگ سازیم.

از نظر کلمه «سوسیالیسم» و «کاپیتالیسم» تا آنجا که به شخص من مربوط است باید بگویم که خود را «سوسیالیست» می‌نامم. اما از «کاپیتالیسم» هم وحشی ندارم و آن را محکوم نمی‌کنم. تصور می‌کنم همه این چیزها مراحل از رشد اجتماع است که هر یک برای جامعه بشری فوائد و برکاتی داشته است و در ضمن ناچار باید با تغییرات و احتیاجات تازه جامعه منطبق گردد. جامعه بشری همچنان که هر آمریکائی هم می‌داند چیزی متحرک و زنده و در حال رشد و تغییر است. کوشش برای آنکه آن را در جامعه‌های تنگ و محدود نگاهداریم بیهوده است در واقع بدان معنی است که مانع رشد و تکاملش بشویم. مخصوصاً باید آمریکائیان که خودشان بسیار فعال هستند این حقیقت را بیشتر و بهتر از همه درک کنند، زیرا از یک هندی که در طرز تفکرش اصولاً رخوت و سکون پایه و اصل است بیشتر می‌توان انتظار داشت که درباره دگرگونی و تکامل نیندیشد.

بولس - بوش در اینجا تغییرات شگرفی روی می‌دهد حتی در مدت دو سالی که من در اینجا بودم تغییرات عمده‌ای روی داده است که موجب حیرت من است. شما بارها درباره پیشرفتهای اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی سخن گفته‌اید آیا برنامه شما همین است؟

نهری - بلی برنامه ما همین است. اگر بتوانم گفت این تنها راهیست که هند می‌تواند در آن بکوشد و پیش برود. منظورم اینست که ما آزادی سیاسی را به صورت کاملش دارا هستیم و اکنون می‌خواهیم با کمال سرعت در زمینه اقتصادی پیش برویم. در اروپا و آمریکا شما ابتدا در کارهای اقتصادی پیش رفته‌اید و برای خود وضع مستقری به وجود آورده‌اید و سپس به پیشرفت در زمینه‌های دیگر پرداخته‌اید. ما باید این کار را در مدتی کوتاه، البته نسبتاً کوتاه، انجام دهیم.

بولس - به نظر شما هنگام پرداختن به این موضوع در سالهای آینده بزرگترین مایه قدرت هند چیست؟

نهری - پاسخ به این سؤال دشوار است. بزرگترین مایه قدرت کشوری مانند هند یا هر کشور دیگر اعتماد به خود و کار کردن به شکلی متحد و هماهنگ است.

بولس - شما فکر می‌کنید بزرگترین مایه قدرت آمریکا چیست؟ بزرگترین خدمتی که ما می‌توانیم در این دوران انجام دهیم چیست؟

نهری - آمریکا کشوری بزرگ و نیرومند است اما اجازه بدهید با کمال فروتنی بگویم که به‌بهای آمریکا برای من اهمیت زیاد ندارد، من بیشتر به نیروی عظیم حیاتی و در حال تکامل آمریکا می‌اندیشم. اگر بتوانم گفت، گاهی این نیرو در جهت نادرست می‌رود. ولی بهر صورت پایه قدرت این کشور است، ازین رو به گمان من مایه قدرت مردم آمریکا صرف نظر از قدرت مالی و صنعتی و فنی در چیزی عمیق تر است و هر قدر این نیروی حیاتی عمیق تر باشد بیشتر موجب شادمانی جهان خواهد شد.

بولس - تصور می‌کنم نسل جوان آمریکا به آنچه شما خاص ایشان بگوئید با علاقه می‌نگرد.



نهری - من به خود اجازه نمی‌دهم که چیزی به آنها بگویم اما می‌توانم احساس خود را برای ایشان باز گویم . احساس می‌کنم که دوران ما پرهیجان ترین روز کاری است که بر جهان گذشته است . تا آنجا که به من مربوط است وظیفه‌ای که در هند در پیش داریم بسیار عظیم است ، زیرا ما باید این کشور را از نو بنا کنیم . اما این سخن در باره سراسر جهان مصداق دارد . اکنون در عصر اتم هنگامی که نیروهای عظیم آزاد شده اند و ممکن است در راه بد یا خوب به کار روند ، ناچار باید همه چیز را به راه خیر به کار برد و با هر تعامیل نادرست و بد جنگید . باید با جنگ طلبی مبارزه کرد . راه دیگری وجود ندارد . اگر بخواهیم زنده بمانیم ناچار باید به چنین مبارزه‌ای برخیزیم .

بولس - کمان می‌کنم چیزی را می‌توانم با اعتقاد راسخ بگویم . من در سراسر آمریکا سفر کرده‌ام . خیال می‌کنم مردم آمریکا را خوب می‌شناسم . آنها بیش از هر چیز خواهان صلح اند . به علاوه مردم آمریکا احساس می‌کنند که حفظ صلح ممکن است و صلح می‌تواند پیروز گردد . آیا در این باره شما چه احساس می‌کنید ؟ آیا به نظر تان توفیق ما برای حفظ صلح تا چه اندازه است ؟

نهری - پاسخ دادن به این سؤال هم مشکل است . امیدوارم و اعتقاد دارم که مردم عاقبت از جنگ دوری خواهند جست . اما نمی‌توانم زیاد مطمئن باشم زیرا متأسفانه گاهی هم با فقدان عقل و خرد در میان مردم مواجه می‌شوم . در هر حال در دوران اتم باید طرز فکر خود را عوض کنیم . دیگر مناسب نیست هنگامی که نیروی اتمی در اختیار ماست با روشهای نظامی سابق و حتی با روشهای اقتصادی کهنه بیندیشیم . از این رو پیش از هر چیز به افکار تازه نیازمندیم . این افکار باید بر اساس زندگی کردن و اجازه زندگی به دیگران دادن ، یعنی آنچه « همزیستی » نامیده می‌شود متکی باشد . هر جریان دیگر فکری به نابودی دسته جمعی و پایان یافتن آنچه جهان طی سالیان دراز فراهم آورده است منتهی خواهد شد . به این جهت امروز تمام گفتگوها دربارهٔ وصول به هدفی از راه جنگ یا تهدید به جنگ ، به کلی بی‌معنی است . امروز حتی يك کشور کوچک هم بیمی ازین تهدید به دل راه نمی‌دهد .

بولس - مطمئن هستم که وضع کشور شما در سالهای حدود ۱۹۳۰ از جهتی به اندازه وضع کنونی جهان یأس آور به نظر می‌رسد ، با وجود این شما در مدت پانزده سال ملتی آزاد بوجود آوردید که کارهایی بسیار عالی انجام داد . نمی‌دانم آیا این امید بیش از اندازه نیست که دنیای زمان ما هم بهمین ترتیب از گرفتاریهای دشوار کنونی خلاصی یابد و بحرانهای کنونی از میان برود .

نهری - خوب ، آقای بولس ، چه این امید زیاد باشد و چه کم ، ناچار باید امیدوار بود . زیرا اگر امید از دست برود دیگر به زحمت می‌توان کاری ارزنده و درست انجام داد .

ترجمه محمود تقضلی